# چشم اندازی بر تفسیر

# اطیب البیان

پدید آورنده :

ایوب هاشمی

بسم الله الرحمن الرحیم

# چشم اندازی بر تفسیر اطیب البیان

نویسنده:

ایوب هاشمی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# چشم اندازی بر تفسیر اطیب البیان

## مشخصات کتاب

پدید آورنده : ایوب هاشمی

ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## مقدمه

یار می‌خواهد چنین آشفتگی***کوشش بیهوده به از خفتگی

توفیق رفیق آمـد، روزی برای تعقیب مطلبی به سـراغ تفسـیر اطیب البیـان رفتم، به ناگـاه، موضوعی توجه مرا جلب کرد و با خوانـدن آن، مـدتی در فکر فرو رفتم، این مطلب به مثابه کلیـدی بود که کارخانه احساس مرا بکار انـداخت، یک هیاهوی تسـکین ناپذیر در وجودم ایجاد کرد، حفره‌ای در درونم به وجود آورد و التهاب زاید الوصفی در من ایجاد کرد.

مطلب این بود:

«بشارت به کسانی که در این تفسـیر، خدماتی می‌کنند و از او استفاداتی دارند. در شب جمعه گذشته، شب ۱۳ ذی الحجهٔ، در عالم رویا خـدمت حضـرت بقیـهٔ اللّه مشـرف شدم. سـندی بر این تفسیر تقاضا کردم، کاغذی مرحمت فرمودند. عرض کردم امضاء خود شمـا را طـالبم، حضـرت نقطه‌ای در آن صـفحه گـذاشت که آن نقطه نور می‌دارد. امیـدوارم منظور نظر آن حضـرت باشـد و وسـیله سعادت شود.»

از آن به بعـد خـود را در مـدار دورترین سـتاره‌ها حس می‌کردم و از شـادی در پـوست خود نمی‌گنجیـدم. من سـرگردان و حیران، گمشـده خود را یافته، دریچه‌ای به سوی روشـنایی باز کرده بودم. از این رو مترصـد شـدم که پایان نامه کارشناسـی ارشد را به عطر کلام جاودانه وحی معطر و متبرک نمایم تا حسن مطلعی برای فعالیت‌های فرهنگی در آینده و حسن ختامی برای این مقطع تحصیلی باشد.

این بود که از بین موضوعات متعدد، به قرآن و تفسیری که مرضی حضرت بقیهٔ اللّه- ارواحنا لتراب مقدمه الفدا- است، روآوردم.

یقینـا تفضـل الهی بود که شامل حال این حقیر شـد و توفیق انس و مصاحبت با کلام اللّه مجیـد را یافتم، قرآنی که«تبیانا لکل شـیء» است و هرچه را که در سـعادت بشـر نقش دارد مطرح کرده و متضـمن بهروزی و موفقیت دنیوی و اخروی است. قرآن شـفا دهنـده آنچه در دلها و افکار است: «و ننزّل من القرآن ما هو شـفاء و رحمـهٔ للمؤمنین». مراجعه کننـده به قرآن هرگز بدون بهبودی و درمان برنمی‌گردد بلکه قرآن حقیقتا او را درمان می‌کند.

قرآن اسـتوارترین راه هـدایت است. «ان هـذا القرآن یهـدی للتی هی أقوم» بی‌نیـازی است که پس از آن فقری نیست و بـدون قرآن بی‌نیازی وجود ندارد.

قال رسول اللّه ۶: «القرآن غنی لا فقر بعده و لا غنی دونه». به راستی که نیکوترین سـخن‌هاست که باید در آن اندیشه کرد و براستی که بهار دلهاست. قال علی۷: «و تعلموا القرآن فإنه أحسن الحدیث و تفقهوا فیه فانه ربیع القلوب...»،

## ۱. انگیزه مؤلف

مؤلف همان گونه که در مواردی متذکر شده است، طلیعه تفسیر خود را یک موهبت الهی و مرضی حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم قلمداد

می کند. در مقدمه جلد اول آمده است:

دیر زمانی در خاطرم خطور می‌نمود، کتابی در تفسیر قرآن بنگارم و روی این اندیشه، حوزه‌های تفسیری تشکیل داده و جزوه‌های متفرقی در این باره به رشته تحریر درآورده بودم و از طرفی قصور باع و قلّت استعداد و اشتغالات درسی و عوائق و گرفتاری‌های دنیوی مرا از اقدام به این امر منع و بلکه مأیوس می‌نمود تا اینکه در شب سه شنبه پنجم جمادی الثانی سال ۱۳۸۰ ه. ق، مطابق با ۲۲ آبان ماه ۱۳۳۹ ش در محضر بعضی از علما، به مجلس سوگواری حضرت صدیقه طاهره ۳ موفق شده و در ضمن توسل، حالت وجدی در خود دیدم و از آنجا به منزل مراجعت نموده و در عالم رؤیا خدمت ثامن الحجج و حضرت ولی عصر ۴ مشرف شده و پس از مذاکراتی که بین آن دو بزرگوار راجع به زوّار شد، حضرت بعد از عنایاتی و ترضیه خاطری نسبت به حقیر و مروّجین دین مرا، امر به نوشتن تفسیری فرمود و وعده به من دادند. بعد از آنکه از خواب بیدار شدم، صدق رؤیای من ظاهر شده و وعده نصرت حضرتش تحقق یافته و من به نگارش و تألیف این کتاب، به یاری حضرت رب الارباب و حضرت حجت با تمام کوشش و اهتمام اقدام نمودم و ....

یک مورد هم در مقدمه ذکر کرده‌اند که در عالم رؤیا خدمت حضرت ولی عصر مشرف شده‌اند. در جای دیگر مؤلف می‌فرماید:

نگارش تفسیر را تقریبا از سال ۱۳۴۱ به صورت مداوم شروع کردم، علت نگارش هم سفارش حضرت حجت- ارواحنا فداء- بود که در عالم رؤیا به حقیر داشتند و به بنده امر فرمودند که این تفسیر را بنگارم...

موارد مذکور و غیر مذکور همه و همه موید آن است که ارتباط مؤلف (و لو به صورت رؤیا) با سرچشمه و مجاری وحی قابلیت تابش نور الهی بر قلب را حاصل کرده چرا که، «العلم نور یقذفه اللّه فی قلب من یشاء» و یا «وَ الَّذینَ جاهَدُوا فینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا» در مواردی صریحاً اعلام می‌دارد که مطالب او الهام یافته از جانب حضرت حق جل و علاست، مثل: «اقول... الان بغتةً الهام شد که آیات جهاد در مواردی بود که در نسل آنها مؤمنی پیدا نمی‌شد و...»

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد. دیوان حافظ

و سئوال و پرسش مؤلف هم با حضرت سلیمان ۷ در عالم رؤیا که در جلد ۱۰، صفحه ۱۲۰ تفسیر آمده، شنیدنی است.

مؤلف درباره کسب توفیق الهی می‌فرماید:

«در کسب توفیق، باید از خدا عاجزانه کمک خواست. توفیق به سادگی به دست نمی‌آید. از لابلای کتابها هم چیزی در این زمینه عاید نمی‌شود. سالک قادر منان باید توجه و کمک کند، در جلب توجه او باید از وجود مقدس نبی اکرم۶ و ائمه معصومین: کمک جست. با توسل به آنان و واسطه قرار دادن این بزرگان باید قابلیت پذیرش فیض الهی را در خود فراهم ساخت.»

## ۲. مباحث علوم قرآنی

### اشاره

مفسر بزرگوار، در شروع تفسیر مباحثی در قالب ده گفتار درباره علوم قرآنی دارد:

### گفتار اوّل

در بیان فضیلت قرآن و وجوب تمسک به آن.

### گفتار دوم

در بیان عدم تحریف قرآن و توجیه اخبار تحریف.

### گفتار سوّم

در تفسیر قرآن و روش مفسرین و کتب تفسیری.

### گفتار چهارم

در اختلاف قرائت قرآن و تحقیق کلام در سیاهی قرآن.

### گفتار پنجم

در فضیلت قرائت قرآن و حفظ و تعلیم و تعلم آن.

### گفتار ششم

در بیان اعجاز قرآن و وجوه اعجاز آن.

### گفتار هفتم

در وجوب احترام قرآن و حرمت هتک آن.

### گفتار هشتم

در بیان شفاعت و خصومت قرآن و بحث مختصری درباره شفاعت.

### گفتار دهم

در بیان استعاذه و حقیقت آن و بحثی درباره مستعیذ و مستعاذ به و مستعاذ منه.
البته پرداختن به این گونه مباحث سنت حسنه‌ای است که در بعضی از تفاسیر قدما و متأخرین هم به چشم می‌خورد.

### ۳. نثر تفسیر

نثر آن نسبتا ساده و روان است که برای استفاده عموم مردم و اهل علم نوشته شده است.
تفاسیر فارسی در تاریخ تفسیر جایگاه بلندی داشته‌اند، در این زمینه تفاسیر مواهب علیه، منهج الصادقین، الدر التنظیم، تفسیر شریف لاهیجی و... یاد کردنی و ستودنی است.
از آنجا که مرحوم طیب، به هدایت عامه عنایت خاصی داشته، مترصد شده که تفسیری به زبان مادری و زبانی که مردم با آن مأنوس‌اند، بنویسد تا بهره نیکوتر و بازده بهتری داشته باشد. در میان مفسران معاصر نیز تفاسیر قابل توجهی به زبان فارسی نگاشته شده است از جمله: تفسیر اثنی عشری، تفسیر جامع، کنز العرفان در علوم قرآن، تفسیر عاملی، پرتوی از قرآن، نمونه و...
تفسیر اطیب البیان از لحاظ اینکه در استخدام واژگان، بعضا از واژه‌های عربی استفاده می‌کند و ابتدا و انتهای همه سوره‌ها،

خطبه‌هایی به زبان عربی دارد تقریبا به یک تفسیر ملمع شبیه است، شبیه آنچه در تفسیر کیوان قزوینی، از عباس کیوان قزوینی- منصور علیشاه و تفسیر نفحات الرحمن از شیخ محمد نهاوندی می‌بینیم.

ضمناً از اسم تفسیر گرفته که «اطیب البیان فی تفسیر القرآن» است، در جای تفسیر نیز از جملات عربی استفاده می‌کند، چنان که در آخر جلد شش آمده است: تمت بعون اللّه و توفیقه سوره یونس یتلوها هود انشاء اللّه تعالی، بحوله و قوته بید العبد الذلیل الحقیر السید عبد الحسین المدعو بطیب.

## ۴. ترجمه قرآن

ترجمه آیات در این تفسیر، صرف نظر از اشکالات خیلی جزئی، ترجمه‌ای عالمانه و محققانه و دقیق است، متأسفانه مرحوم آیت اللّه طیب، همه آیات را ترجمه نکرده‌اند و اگر همه آیات را ترجمه کرده بودند، می‌توانست خود ترجمه‌ای کامل بر قرآن باشد.

درباره ترجمه قرآن باید اذعان کرد که آوردن کلماتی که با قرآن حکیم بتواند هماوری کند محال است زیرا تحدی قرآن هم به معنی است و هم به لفظ و بشر هرگز نمی‌تواند، مانند آن را بیاورد. ترجمه تنها کوششی است برای فهم معانی آیات، که موفقیت در آن به هر حال نسبی است و از آنجا که کلام بشر خالی از اشتباه و غفلت و سهو نیست، ترجمه‌های قرآن نیز خالی از اشکال نیست.

در مجموع، ترجمه مؤلف بسیار دقیق و محققانه است و بسیاری از اشتباهات مترجمین قرآن در آن وجود ندارد.

مفردات و عبارات استفاده شده تقریبا امروزی و سلیس و روان است هر چند استفاده نشانه مفعولی«مر» (که در قدیم مرسوم بوده) و مانند آن در این تفسیر دیده می‌شود.

همچنان که اشاره شد متأسفانه مفسر ارجمند، همه آیات را ترجمه نکرده‌اند، به عنوان مثال در سوره بقره، آیات ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۵۳ تا ۲۶۶ و ۲۷۰ تا ۲۸۶ ترجمه نشده است.

و برخی نکات نیز رعایت نشده است از باب نمونه در آیه ۷۸ سوره بقره: «وَ مِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لا يَعْلَمُونَ الْكِتابَ إِلَّا أَمانِيَّ...» آمده است: و بعضی از اهل کتاب سواد خواندن و نوشتن را ندارند و از کتاب نمی‌دانند جز دروغها و بهم بافته‌های مزوران را.

(امانی) را (دروغها و بهم بافته‌های مزوران) ترجمه کرده است، در صورتی که (امانی) جمع (امنیه) و به معنی آمال و آرزوهاست و مربوط به آمال و آرزوهایی است که یهودیان داشتند مانند اینکه بهشت را مخصوص خود می‌دانند که همین آرزوها را مفسر در صفحه ۶۸ ذکر کرده است ولی در ترجمه رعایت ننموده است.

و یا آیه ۱۸۸«... لِتَأْكُلُوا فَرِيقاً مِنْ أَمْوالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ...» چنین ترجمه شده است: «... برای اینکه قسمتی از اموال مردم را بخورید...» همان / ۳۴۴ که «بالاثم» از ترجمه ساقط شده است.

و همچنین برخی موارد دیگر که یاد کرد همه آنها از حوصله این مقال بیرون است و یافتن غفلتها و اشتباهات و سهو القلم‌ها در ترجمه عالم و دانشمند بزرگواری چون آیت اللّه طیب، به راستی امری دشوار است و اگر تکلیف نبود و در ترجمه آیات راه بر مسامحه بسته نبود، لب فرو می‌بستیم و در این مورد هیچ اشاره نمی‌کردیم اما بر همگان است که درباره قرآن و رساندن معنا و مفهوم واقعی آن از هیچ تلاشی فرو گذار نکنند.

## ۵. مراعات جهات لفظی و اجتناب از تطبیق

از خصوصیات بارز این تفسیر مقید بودن مؤلف به دلالت لفظی آیات قرآن است و از مسائلی که منجر به تطبیق و تأویل می‌گردد و محلی برای دخالت انگیزه‌ها و ذوقیات است جدا پرهیز دارد. مؤلف، با تسلطی که بر ادبیات عرب دارد کیفیت استعمال‌ها و دلالت‌های آن را خوب می‌شناسد و در همه جا وضع لغوی و حدود دلالت و موازین لغت را مراعات می‌کند، مؤلف می‌گوید:

... و اگر خدا توفیق دهد و امام عصر مددی فرماید تصمیم دارم در این تفسیر آیاتی را که ظاهر الدلاله است به همان ظاهر اکتفا نمایم و با رعایت اخبار وارده بر خلاف ظواهر و کلمات بزرگان از محققین و دانشمندان خبره فن، و اگر ظاهر الدلاله نباشد هرگاه خبر معتبری در تفسیر و تأویل و بیان آن یافتم آن خبر را متذکر شده و تشریح نمایم و هرگاه خبر معتبری نیافتم علمش را به اهلش محول کنم، در صورت اخیر اگر چیزی در بیان آیه گفته شود مجرد احتمال است و قصد به مراد و مقصود، منظور نیست.

## ۶. برخورد با مفسران

آنچه را که مفسران در ذیل آیات آورده‌اند، بعضاً بدون اظهار نظر و اکثرا با مقایسه و سنجش نقل کرده است، البته در مواردی که نظر مفسران اختلاف دارد، به ارایه نظرات دیگران اکتفا نمی‌کند بلکه به سنجش آنها پرداخته و اگر خود بیانی مستقل داشته باشد بدان می‌افزاید.

اینک به برخی موارد که عنوان سنجش و ترجیح و انتخاب دارد اشاره می‌کنیم:

در تفسیر آیه «ان هؤلاء لیقولون» مفسران گفتند این کلام ابوجهل است... می‌فرماید: این باطل است زیرا با کلمه (هولاء) مناسبت ندارد و اشاره به جماعت است.

در آیه «أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبى » مفسران گفتند (ان لا یؤتوا) بوده، کلمه لا حذف شده و جواب (و لا یأتل) است.

می‌فرماید: لکن جواب آن محذوف است، به دلالت جمله و( ان یؤتوا) یعنی باید و واجب است اینکه به اولی القربی عطا کنند.

«وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ» در این آیه، اقوال زیادی گفتند که بالغ بر هفت قول است: قیام لیل برای تهجد. از نوم غیلوله برای صلوه ظهر. بر صلوات مفرد... از مجالس که گفتند کفاره هر مجلسی ذکر است. بر صلوه فجر. بر کلیه صلوات. بر نافله فجر. اقول: تمام این اقوال بدون مدرک است و تفسیر به رأی است. کلمه «حین تقوم» مطلق است شامل هر قیامی می‌شود.

مفسران در مدت مکث حضرت یونس۷ در بطن ماهی اختلاف کرده‌اند، بعضی گفته‌اند ۷ روز، بعضی ۲۰ روز، بعضی ۴۰ روز و تمام اینها بی‌مدرک است و در خبر از حضرت باقر۷ است که فرمود: سه روز.

در «فَأَوْحى إِلى عَبْدِهِ ما أَوْحى» مرجع ضمیر فاوحی همان شدید القوی است و مفسرین اینجا به دست و پا افتاده‌اند گفتند.

در آیه «وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ» بعضی گفتند مراد نماز مغرب و عشاء است، بعضی گفتند نماز شب است که بر پیامبر واجب بوده است. اقول: بعید نیست مراد مطلق عبادات باشد و...

در آیه «وَ النَّجْمِ إِذا هَوى» بعضی گفتند: مراد، قرآن است، بعضی گفتند مراد، ستاره ثریا است، بعضی گفتند مراد، مطلق نجوم است، بعضی گفتند مراد، شهاب است. اقول: آنچه به نظر می‌رسد مراد جنس نجم است نه نجم مخصوص.

مؤلف صراحتا در مواردی چند متذکر شده که مراجعه به آراء مفسران درست نیست و در تفسیر قرآن باید به فرمایشات پیامبر و مبینان قرآن مراجعه کرد.

## ۷. تفسیر قرآن به قرآن

مفسر گرانقدر، در تفسیر آیات، به آیات دیگر نظر دارد و در مواردی از آیات قرآن بهره گرفته است از باب نمونه در آیه «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ...» می‌گوید آیات و اخبار در فضیلت برّ و احسان به پدر و مادر و ... دلالت دارد، سپس آیات مربوطه را برای تفسیر می‌آورد.

در آیه «وَ الطُّورِ * وَ كِتابٍ مَسْطُورٍ ...» می‌فرماید: ... کوه مخصوص و آن طور سینا که خداوند با موسی تکلم فرمود و در آیه شریفه که وادی مقدس است می‌فرماید: «إِنَّكَ بِالْوادِ الْمُقَدَّسِ طُوىً» و وادی ایمن است که می‌فرماید: «فَلَمَّا أَتاها نُودِيَ مِنْ شاطِئِ الْوادِ

الْأَیْمَنِ فِی الْبُقْعَهِٔ الْمُبارَکَهِٔ مِنَ الشَّجَرَهِٔ» و می‌فرماید: «وَ شَجَرَهًٔ تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَیْناءَ»

در آیه «کَذلِکَ وَ أَوْرَثْناها قَوْماً آخَرینَ» می‌فرماید:

همین نحو به میراث دادیم تمام آنها را به قوم دیگر که بنی اسرائیل باشند چنانچه می‌فرماید: «کَذلِکَ وَ أَوْرَثْناها بَنی إِسْرائیلَ» و ...

لذا مؤمنین بهشت می‌روند فقط تفضل است استحقاقی ندارند که می‌فرماید: «الَّذینَ یَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فیها خالِدُونَ»

مؤلف به تفسیر قرآن به قرآن اهتمام زیادی دارد و می‌توان گفت بعد از اخبار و روایات، به آیات رو می‌آورد و در تفسیر آیات، بعد از آن که مسایل گوناگونی را مطرح می‌کند، اگر آیاتی برای تایید مطلب باشد آورده می‌شود، اگرچه معتقد است که آیات قرآن اخبار را تایید می‌کنند.

## ۸. احکام شرعی

احکام شرعی را شرح و بسط می‌دهد و اقوال مختلف را در هر باب به صورت فتوایی نقل می‌کند. آن جا که اختلاف نظری باشد می‌سنجد و جرح و تعدیل می‌کند و نظری می‌دهد و جهت برتری یک فتوی را بر دیگری بیان می‌کند. اما در همه موارد به نظر شیعه اکتفا کرده و نظر دیگران را به ندرت ذکر می‌کند.

تفسیر اطیب البیان از بحث احکام شرعی و مسایل فقهی بر سایر تفاسیر مزیتی دارد، هر جا که مناسبتی جهت بیان اصلی از اصول و حکمی از احکام فقه پیدا شود حق مطلب را ادا می‌کند.

از این جهت، حتی مجمع البیان و تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی و نمونه، به پای آن نمی‌رسند. اگر چه مرحوم طیّب قصد ندارد همه احکام را مشروحا توضیح دهد، چنانکه خود می‌فرماید:... ما ناچاریم که در ضمن تفسیر به یک یک آنها (احکام) شرح مقدار لازم دهیم و تفصیل آن را حواله به کتب فقهی دهیم.

اطیب البیان در تفسیر آیه «و یقیمون الصلوهٔ...» ۶۰ صفحه توضیح داده از معنای اقامه، صلوهٔ، فضیلت و اهمیت صلوهٔ, و روایات متعددی در رابطه با حقیقت نماز، شرایط نماز، اجزای نماز، اقوال نماز، قرائت، معنی تشهد، معنی لا إله إلا اللّه ارایه داده و تمام زوایای مطلب را روشن کرده است، در صورتی که مجمع البیان، نزدیک یک صفحه، به اختصار بیان کرده و تنها معنی مختصری از صلوهٔ، شان نزول و قرائت ارایه داده است.

تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی هم نزدیک نیم صفحه به این موضوع اختصاص داده است: معنی صلوهٔ و استشهاد به چند شعر و معنی آن در شرع و اینکه مراد از صلوهٔ، نماز پنجگانه است.

تفسیر نمونه فقط به معنی تحت اللفظی و یک مطلب یک صفحه‌ای تحت عنوان (ارتباط با خدا- اقامه نماز) پرداخته است.

## ۹. اختلاف قرائات

به اختلاف قرائات توجهی ندارد و صریحا می‌گوید: بنابر آنچه ذکر شد ادلّه مشهور بر اثبات حجّیت قرائات هفتگانه، هیچ قابل اعتماد نیست و تنها سیاهی قرآن که از زمان نبی ۶ تا این زمان به نحو تواتر به ما رسیده معتبر است و با شش دلیل قاطع اختلاف قرائات را رد می‌کند.

از باب نمونه، در ذیل آیه (انّ المصدقین و المصدقات) می‌فرماید: بعضی قراء بدون تشدید قرائت کردند به معنی تصدیق کنندگان که مرادف با ایمان است، لیکن مکرر گفته‌ایم که معتبر همان سیاهی قرآن است و همین تواتر است و مدرکی بر صحت قرائت قراء برخلاف آن نداریم.

حتی خبری را که از طریق شیعه از ائمه هدی رسیده که فرمودند: اقرؤا القرآن کما یقرء الناس و ادعا کرده‌اند که مراد از ناس در

این خبر قراء سبعه است این ادعا هم بدون دلیل و باطل است.

تفسیر جامع (حاج سید ابراهیم بروجردی)، از جمله تفاسیری است که با اطیب البیان در این مورد هماهنگ است.

## ۱۰. مباحث کلامی

مباحث کلامی را مفصل طرح می‌کند و خود در هر قسمت مستدلا نظر می‌دهد و به دلایل عقلی و نقلی آن را اثبات می‌نماید و پس از آن نظر معصومین : را هم ذکر می‌کند و مثل سایر موارد تنها روش شیعه را منظور نظر قرار می‌دهد و بعضا هم طالبین را به کتاب پرارزش خود، به نام «کلم الطیب» که مباحث جالبی در اصول عقاید به صورت مبرهن و مستدل دارد ارجاع می‌دهد و از اطاله کلام می‌پرهیزد.

از تفاسیری که در خصوص مباحث کلامی، داد سخن داده‌اند می‌توان تفاسیر ذیل را نام برد: تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین (ملا فتح اللّه کاشانی) فارسی، الدر النظیم خاقانی (محمد رضا ابن محمد امین همدانی) فارسی، تفسیر المیزان (علامه سید محمد حسین طباطبائی) عربی.

با توجه به حساسیتی که مؤلف در مسایل کلامی داشته‌اند، دار التبلیغ اسلامی را با همکاری علماء اصفهان در مقابل هجوم تبلیغاتی مسیحیان تاسیس کرده‌اند و دست به تألیف کتاب «کلم الطیب» زده‌اند تا بتواند جوابی باشد در برابر شبهات و...

این گونه مباحث را هم مفصّل توضیح می‌دهد که یک نمونه را در مقایسه با تفاسیر دیگر ارایه می‌دهیم: در ذیل آیه «وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ»، مجمع البیان صرفا بحث اجمالی لغوی کرده است. و تفسیر ابو الفتوح رازی در این رابطه می‌گوید: «ایشان را عذابی بود بزرگ در دنیا و کشتن و اسیر گرفتن و در آخرت به دوزخ و عذاب استمرار الم بود بر معذب و عذوبه آب برای روندگی او بود، در حلق و سر زبان را عذبه بر این خوانند بر سخن گفتن مستمر بود و عظیم در اصل بزرگی شخص بود پس در عظم شان به کار دارند.» و تفسیر نمونه هم فقط ترجمه تحت اللفظی کرده است. تفسیر نمونه، ذیل آیه

این در حالی است که اطیب البیان معنای لغوی عذاب را مفصلا بیان کرده و سپس اصل عذاب و خلود را ثابت نموده و نزدیک ۴۰ آیه از قرآن درباره عذاب آورده و ترجمه و شرح کرده است. بعد به سراغ اخبار و روایات رفته، و شواهدی می‌آورد. سپس دلیل عقل بر اثبات عذاب و دلیل اجماع و نظریات منکرین عذاب و خلود را آورده و تحت عنوان سئوال و جواب، به گونه مبسوط جواب داده است که مجموعا به ۲۰ صفحه می‌رسد.

## ۱۱. لغت و اشتقاق

### اشاره

به لغت و اشتقاق و غیر آن هم غالبا می‌پردازد، اما نه مثل تفسیر مجمع البیان، زیرا در تفسیر مجمع البیان، جانب علومی مانند: لغت، نحو، تصریف و اشتقاق، رجحانی دارد و در این امور موشکافی‌های دقیق به عمل آمده است. تفسیر اطیب البیان از این نظر به پای مجمع نمی‌رسد.

تفسیر مجمع البیان یک تفسیر درسی است، به خلاف اطیب که یک تفسیر همه جانبه است و عامه مردم از آن کما بیش بهره می‌گیرند، نثر روان و ساده‌ای دارد. همچون دریایی مواج که هر کس می‌تواند بدون سر و صدا به فراخور حالش از آن آب بردارد. علت هم معلوم است، مرحوم طیب یک واعظ منبری بوده و با این روش مانوس است و تفسیری برای همه افراد جامعه حتی کم سواد نوشته، و پیچیدگی در کلماتش مشاهده نمی‌شود، با این حال هر جا که مناسبت داشته باشد، به معنای لغات می‌پردازد

## برخی از موارد لغت و اشتقاق

### ۱. ایمان

در لغت به چند معنا استعمال شده است.

### ۲. شیطان یا مأخوذ

از شطن و یاء آن زاید است بر وزن فیعال... و یا مأخوذ از شاط و الف و نون آن زاید است...

### ۳. (فلا اقسم) بعضی گفتند

۳ لا زاید است... لکن گفتیم کلمه زایده در قرآن نیست... بعضی گفتند جزء قسم است.

### ۴. کلمه احمد افضل التفضیل است و دو معنی کرده‌اند

به معنی اسم فاعلی و به معنی مفعولی.

### ۵. الف و لام حسنه (من جاء بالحسنه)

الف و لام جنس است شامل جمیع حسنات می‌شود.

### ۱۲. قصص

در بیان قصص قرآن، غالبا نقل تفاسیر دیگر را ملاک قرار داده و در مواردی ذکر مأخذ نیز کرده است. البته قصص را تا آنجایی که از روایات و اخبار استفاده می‌شود آورده و از ما بقی صرف نظر می‌کند و به اندازه کافی هم تفصیل می‌دهد.
برای تتمیم و تکمیل بعضـی از قصص، به کتب دیگر هم مراجعه و از منابع اصلی استفاده می‌نماید و اگر در دیگر آثارش بیان کرده باشد بدانجا احاله می‌دهد، برای مثال: و ما در جمله اول کلم الطیب در بحث نبوت موسی و عیسی شرح حال بنی اسرائیل را از کتب عهد قدیم و جدید آنها بیان کرده‌ایم.
و یا در همان کلم الطیب ما حال حواریین را از کتب خود نصاری، مفصلا بیان کرده‌ایم.
سایر قصه‌های قرآنی را نیز به تناسب آیات، در جای‌های مختلف تفسیر به تفصیل آورده است. از جمله در جلد ۶ و ۱۳.

### ۱۳. حکایات و تمثیلات

حکایات را به انـدازه کافی تفصـیل می‌دهـد ولی مأخذ آنها را نقل نمی‌کند و غالبا از حکایات مذهبی اسـتفاده می‌نماید: (ج ۲، ص ۵۲)، (ج ۲، ص ۱۸۹).
از تمثیلات و اصطلاحات عامیانه نیز در جای‌جای تفسیر بهره برده است: (ج ۱۲، ص ۵ و ۲۵), (ج ۱۳، ص ۲۴۸).

### ۱۴. رجال

رجـال یـاد شـده در این تفسـیر همه مورد اعتمـاد شـیعه است و به غیر کاری نـدارد و حتی مراجعه به تفاسـیر عامه را جایز نمی‌دانـد،

همان، مقدمه جلد اوّل، ص ۲۳ از باب نمونه: ابن بابویه، ابی صلت هروی، جابر ابن عبد اللّه انصاری، داود ابن کثیر، ابن کیسان، علی بن ابراهیم، جابر جعفی، سفیان سوری، حمران بن اعین، حضرت عبد العظیم، ابن عباس، ابن شهر آشوب، شیخ صدوق، ابو حمزه ثمالی، حماد بن عثمان، و دهها رجال دیگر که ذکر نام آنان، به درازا خواهد انجامید.

### ۱۵. مسایل اخلاقی

مؤلف به مسایل اخلاقی توجه فراوانی دارد و به هر بهانه‌ای آنها را طرح می‌کند و بعضا احساس می‌شود که از کتاب تفسیر خارج شده و به یک کتاب اخلاقی نزدیک‌تر است. در موارد زیادی، واقعا بجا و مناسب و گاهگاهی هم سخن به درازا کشیده شده که جای آن در تفسیر نیست و باید در کتب اخلاقی بررسی شود. برای مثال در تفسیر آیه: «وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ ما یَخْدَعُونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما یَشْعُرُونَ» بعد از آنکه معنی مخادعه و دفع اشکالات بر آیه و مراتب مخادعه را مطرح می‌کند، می‌گوید: که این منافقان با مؤمنان نیز مخادعه می‌کنند و مخادعه با مؤمنین اینست که در ظاهر ابراز برادری و همکاری و مساعدت و دوستی و محبت می‌نمایند ولی در باطن در مقام ایذاء و ظلم و... با آنها بر می‌آیند.

و اضافه می‌کند که: ما در این جا جامع صفات نفاق و دورویی را متذکر می‌شویم. و موضوعات مستقل و مفصلی را تحت عناوین دورویی، دو زبانی، ایذاء، ظلم، تحقیر، اهانت، طلب عثرات مؤمنین و تفتیش از عیوب آنان، سرزنش، غیبت، بهتان، نمّامی، سوء ظن، ترک نصیحت مؤمنین، ترک اعانت کردن مؤمنین، عداوت مؤمن و... همراه با آیات مربوطه متجاوز از ۶۰ صفحه توضیح و شرح می‌دهد.

### ۱۶. شعر

گاهی شعر و نثری برای تلطیف ذوق آورده و استشهادات شعری به عربی نیز دارد. از شاعران نامی مثل: مولوی، حافظ، نظامی، سعدی، فردوسی، خیام، خواجه عبد اللّه انصاری و ... بهره جسته است.

مفسر گرامی، به دیوان‌های عربی نیز توجه داشته و از آنها بهره برده است. همچون: دیوان منسوب به امیرالمؤمنین ۷، منظومه حاج ملا هادی سبزواری، دیوان فرزدق و...

### ۱۷. استدلال و احتجاج

از نظر استدلالی و احتجاجی، گاه ملاحظه می‌شود که نظر دیگری را طرح و رد کرده است، آن هم در مواقعی که موضوع اهمیت خاصی دارد.

درباره شب قدر، بعد از نقل قولهایی از شیعه و سنی، می‌گوید: عقیده ما شب بیست و سوم است.

درباره شفاعت هم استدلالی بحث کرده است و به مسایل مربوط به آن به گونه مبسوط پرداخته است.

مسأله جبر و اختیار که یک بحث جنجالی است, شرح و بسط داده و جوانب قضیه را روشن کرده و در نهایت نظر مختار را اثبات می‌نماید. احتجاجات فراوانی در خصوص انبیاء با اهل سنت دارد.

گاه اشکالاتی را که در ضمن توجه به آیات پیش می‌آید و برای ذهن معمول انسانی تولید شکوکی می‌کند، به طرح اشکالات و بسط و تحلیل آنها می‌پردازد و با دلایل عقلی و نقلی به پاسخگویی آن اقدام می‌کند.

### ۱۸. جانبداری از شیعه

این تفسیر بر اساس مکتب تشیع نوشته شده و از نظر شیعه بسیار جانبداری می‌شود و براهین زیادی بر ردّ نظریات مخالفان تشیع و رفع شبهات وارده و اثبات مذهب امامیه دارد. مباحث زیادی از اختلاف فریقین طرح می‌نماید که بعضا جنبه استدلالی و احتجاجی دارد، برای نمونه: ضرورت مذهب امامیه این است که سحر در انبیاء و ائمه اثر نمی‌کند، بر خلاف مذهب عامه که بخاری و مسلم روایت کرده‌اند که سحر در او اثر کرد. و نمونه‌های فراوان دیگر که به تفصیل بحث کرده است.

### ۱۹. مباحث فلسفی

اندکی مباحث فلسفی، در این تفسیر به چشم می‌خورد، اما منظور اصلی مفسر نیست و در ضمن مباحث، استشهادات زیادی، به منظومه ملا هادی سبزواری دارد. در مواردی هم کلام حکما را طرح، و جرح و تعدیل می‌کند.

### ۲۰. اخبار و روایات

مؤلف برای بیان و اثبات منظور خویش از تمامی اخبار و احادیث اهل بیت : استفاده می‌کند و به جرأت می‌توان گفت این تفسیر، تنها براساس اخبار و احادیث منقوله از اهل بیت : نهاده شده است. از سلسله روایات و رجال آن زیاد یاد نمی‌کند ولی همه را از طریقی می‌گیرد که رجال آن مورد اعتماد شیعه‌اند.

بنابراین مأخذ این تفسیر همه کتب معتبر روایی و حدیثی شیعه است، در عین حال به تفسیر قرآن به قرآن خیلی عنایت دارد. آنچه از خود می‌گوید، تحت عنوان: تحقیق این است که...، و در مواردی هم نظر مختار را تحت عنوان اقول، مستدل بیان می‌کند.

مؤلف در وجه تسمیه تفسیر به اطیب البیان می‌گوید:

و چون در تفسیر آیات قرآن از احادیث و بیانات خاندان نبوت و معادن علم و حکمت حضرت احدیت استفاده نمودم و حقا که بیانات ایشان بهترین و پاکیزه‌ترین بیانات در تفسیر قرآن بوده و این جامه تنها به قامت اینان راست آمده لذا این کتاب را اطیب البیان فی تفسیر القرآن نامیدم.

و در جای دیگر می‌گوید: در تفسیر قرآن باید به فرمایشات پیغمبر و مبینان قرآن (که طبق حدیث ثقلین و احادیث قطعی دیگر عترت پیغمبر یعنی ائمه اثنا عشر می‌باشند) مراجعه کرد.

مؤلف به احادیثی که مستند نباشد توجهی ندارد، چنانکه خود می‌گوید: اخبار زیادی از خواص القرآن از پیامبر و از حضرت باقر ۷ نقل کرده‌اند، صرف نظر کرده‌ایم چون سند نداشت.

در مواردی که اختلاف نظر پیش می‌آید، نظر مستند به معصومین : را انتخاب می‌کند.از باب نمونه نک به: ۱۲ / ۴۸, ۱۳ / ۱۶۷, ۱۱ / ۱۹۴ و..

و بعضا روایاتی از اهل سنت نقل می‌کند ولی هدفش رد آنهاست و به خود کتابهای اهل سنت اشاره دارد، برای مثال درباره روایت (اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتهم) که از اهل سنت روایت است که اصحاب پیامبر، همه عدول بوده‌اند، این روایت را به شش وجه مردود می‌شمارد و برای اثبات نظر خود به صحیح بخاری و مسند احمد بن حنبل، استشهاد می‌کند.

و نهایتا می‌گوید: بر فرض صحت حدیث، منع می‌کنم صدق اصحاب را بر کسانی که مسلک علی۷ را نپیموده‌اند، زیرا طبق حدیث مسلّم که از ام سلمه روایت شده که رسول خدا ۶ به عمار فرمود: «یابن سمیه، لا تقتلک اصحابی لکن تقتلک الفئة الباغیة» و این حدیث بقدری معروف بود که معاویه و عمر و عاص نتوانستند انکار کنند، پیامبر مخالفین علی ۷ را از زمره اصحاب خود خارج کرد.

به طور خلاصه طرز فکر مفسر بزرگوار، بر اساس اخبار صحیح و درک اعتقادی وی از اسلام می‌باشد، چنانکه خود فرموده است:

مدرك اخبار اهل بيت نزد شيعه كه حاوى اخبار است، كتب اربعه متقدمين: كافى، من لا يحضره الفقيه، تهذيب و استبصار و كتب اربعه متاخرين: وافى، بحار و مرآت العقول و ساير كتب اخبار.

تنبيه: اين علما اخبار، تمام همّ آنها بر جمع آورى اخبار بوده كه از اصول اربعمائه اصحاب ائمه اخذ كرده و مُبوب فرموده‌اند، و اما تميز بين صحيح و موثق و مرسل و مقطوع و ضعيف در عهده مجتهدين خود و علماء شيعه را بدانيد كه چه اندازه زحمت كشيده و اينها را در دسترس شيعه قرار داده و چه اندازه عمر عزيز خود را صرف اين قسمتها نموده. شكر اللّه سعيهم...

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آيه ۴۱)

با اموال و جانهاى خود، در راه خدا جهاد نماييد؛ اين براى شما بهتر است اگر بدانيد حضرت رضا (عليه السّلام): خدا رحم نمايد بنده‌اى كه امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهاى ما را ياد گيرد و به مردم ياد دهد، زيرا مردم اگر سخنان نيكوى ما را (بى آنكه چيزى از آن كاسته و يا بر آن بيافزايند) بدانند هر آينه از ما پيروى (و طبق آن عمل) مى كنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنيانگذار مجتمع فرهنگى مذهبى قائميه اصفهان شهيد آيت الله شمس آبادى (ره) يكى از علماى برجسته شهر اصفهان بودند كه در دلدادگى به اهلبيت (عليهم السلام) بخصوص حضرت على بن موسى الرضا (عليه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) شهره بوده و لذا با نظر و درايت خود در سال ۱۳۴۰ هجرى شمسى بنيانگذار مركز و راهى شد كه هيچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوى تر و بهتر راهش را ادامه مى دهند.

مركز تحقيقات قائميه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجرى شمسى تحت اشراف حضرت آيت الله حاج سيد حسن امامى (قدس سره الشريف ) و با فعاليت خالصانه و شبانه روزى تيمى مركب از فرهيختگان حوزه و دانشگاه، فعاليت خود را در زمينه هاى مختلف مذهبى، فرهنگى و علمى آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حريم شيعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلين (كتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقويت انگيزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسى دقيق تر مسائل دينى، جايگزين كردن مطالب سودمند به جاى بلوتوث هاى بى محتوا در تلفن هاى همراه و رايانه ها ايجاد بستر جامع مطالعاتى بر اساس معارف قرآن كريم و اهل بيت عليهم السّلام با انگيزه نشر معارف، سرويس دهى به محققين و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنى كردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار هاى علوم اسلامى، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعى: با استفاده از ابزار نو مى توان بصورت تصاعدى در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفى عدالت اجتماعى در تزريق امكانات را در سطح كشور و باز از جهتى نشر فرهنگ اسلامى ايرانى را در سطح جهان سرعت بخشيد.

از جمله فعاليتهاى گسترده مركز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان كتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزارى مسابقه كتابخوانى

ب)توليد صدها نرم افزار تحقيقاتى و كتابخانه اى قابل اجرا در رايانه و گوشى تلفن سهمراه

ج)توليد نمايشگاه هاى سه بعدى، پانوراما ، انيميشن ، بازيهاى رايانه اى و ... اماكن مذهبى، گردشگرى و...

د)ايجاد سايت اينترنتى قائميه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رايگان نرم افزار هاى تلفن همراه و چندين سايت مذهبى ديگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹